

آیا نداشتن پروانه رانندگی دلیل عدم مهارت است ؟

قانون تشدید مجازات رانندگان جرائم ناشیه از رانندگی را بدو دسته تقسیم کرده یکدسته را جنحه و گروه دیگر را جنائی دانسته که جنائیها را در ماده ۲ و بقیه را در سایر مواد ذکر کرده است.

موضوعیکه جالب توجه است و آراء مختلفی در مورد آن صادر شده و حتی در آراء اصراری هیئت عمومی دیوان عالی کشور هم نظرواحدی اتخاذ نشده موضوع قتل ناشی از رانندگی است که راننده پروانه نداشته و ثابت شده که راننده بجز نداشتن پروانه هیچگونه بی احتیاطی و یا عدم رعایت نظامات دولتی و غیره را مرتکب نشده است برای وضوح مطلب بجا است که ابتداء ماده ۱ را مورد توجه قرار بدهیم تا موضوع بهتر روشن شود زیرا به عقیده ما مقررات ماده ۱ حکمی است عام و کلی که مقررات ماده ۲ بعنوان مخصص بر آن وارد شده است

ماده ۱ میگوید هرگاه قتل غیر عمدی بواسطه بی احتیاطی و یا عدم مهارت راننده و یا عدم رعایت نظامات دولتی واقع شود . . . الی آخر که اگر مقنن در مقام حکم ماده ۲ برنمیآید موارد مذکور در ماده ۲ خارج از این شقوق نبود و لکن حکمت وضع ماده ۲ ظاهراً اینست که قانونگذار بعضی از مصادیق بی احتیاطی ها و عدم رعایت نظامات دولتی را سهم تشخیص داده و مجازات آنها را از جنحه بجنایت تشدید نموده است از این رو در ماده ۲ میگوید : در مورد ماده فوق هرگاه راننده مست بوده - یا پروانه نداشته و یا زیادتر از سرعت مقررہ حرکت میکرده . . . الی آخر که وقتی موارد مذکور در ماده ۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد روشن میشود که حکم ماده ۲ یک حکم خاص است مثلاً سرعت بیش از حد مقررہ و یا عبور از محل هائی که علامت برای پیاده رو گذارده شده و یا عبور از محلهای ممنوع همان عدم رعایت نظامات دولتی است که در ماده ۱ تحت حکم کلی عدم رعایت نظامات ذکر شده بود و یا با حالت مستی رانندگی کردن کمال بی احتیاطی است و همچنین با وجود عیب و نقص کار میکانیکی اتومبیل را بکار انداختن در حقیقت هم بی احتیاطی

است و هم مخالف آئین نامه راهنمایی و رانندگی است که مقرر داشته باید برگ معاینه بگیرد بنابراین باید دید که اگر قتل غیر عمدی ناشی از رانندگی خالی از هرگونه بی احتیاطی و یا عدم رعایت نظامات دولتی و یا عدم مهارت و غیره باشد و راننده فقط پروانه نداشته باشد باز هم مشمول ماده ۲ قرار میگیرد یا خیر.

شاید گفته شود که رانندگی بدون پروانه خود از مصادیق بی احتیاطی و عدم رعایت نظامات دولتی است در صورتیکه این توهم صحیح نیست و بر فرض که عدم رعایت نظامات و یا بی احتیاطی باشد شرط اساسی آنستکه بی احتیاطی و یا عدم رعایت نظامات علت و سبب تامه قتل واقع گردد زیرا راننده وقتی مرتکب قتل غیر عمد شناخته میشود که رابطه ای بین فعل و یا ترك فعل او با قتل موجود باشد و الا صرف بی احتیاطی و یا عدم رعایت نظامات دولتی نمیتواند سبب و علت تامه قتل ناشی از رانندگی شناخته شود برای روشن شدن این قسمت بذکر یکی از دو مثال میپردازیم.

۱ - فرض میکنیم که راننده اتوبوسی بجای سوار کردن ۹ و ۲ نفر ظرفیت مقرره ۳ نفر سوار کند و یا رعایت نظافت داخل اتوبوس که جمله نظامات مقرره است ننماید (و بسیاری از مقررات آئین نامه راهنمایی و رانندگی که ارتباطی با تصادف پیدا نمیکند) و در بین راه تصادفی رخ بدهد که منجر بقتل غیر عمد گردد که راننده بجز تخلف از این دو مورد گفته شده هیچگونه تخلف دیگری مرتکب نشده باشد مسلم است که این راننده فقط مسئول و مؤاخذ همان دو تخلف ارتكابی است و این تخلفات بتصدیق کاردان فنی رابطه ای با قتل ندارد.

۲ - راننده ای بدون پروانه رانندگی اقدام برانندگی نمود و بدون اینکه مرتکب خطای دیگری شده باشد راننده دیگری در حالت مستی و با سرعت بیش از حد مقرر از عقب سر با تومبیل وی زده که یکی از سرنشینان خود راننده مست بقتل رسیده باشد در اینصورت شکمی نیست که عمل راننده اول جز با ماده ۹ با ماده دیگری انطباق نخواهد داشت زیرا آنچه سبب و واسطه این قتل واقع گردیده همانا تخلف راننده مست است شاید در این مورد گفته شود که راننده اولی بهر حال پروانه نداشته که دال به عدم مهارت است که در ماده ۱ بان اشاره شد و با شرط مذکور در ماده ۲ که میگوید اگر پروانه نداشته مجتمعا سبب تامه قتل محسوب میگردد.

و حال آنکه در جزئیات (نص) صریح و علم الیقین لازم است و نمیتوان برسبیل استحسان از روی احتمالات حکمی استخراج نمود بعلاوه اگر قانونگذار احیاناً نداشتن پروانه را دلیل مهارت شناخته بود باز مشکل بود که ما نداشتن پروانه را دلیل بعدم مهارت بدانیم زیرا مهارت وعدم مهارت لازم و ملزوم داشتن و یا نداشتن پروانه نیست و بهمین جهت هم قانونگذار وجود پروانه را دلیل مهارت نشناخته نکته بسیار جالب اینستکه عدم مهارت یک امر عدمی است و تا موقعیتی برای ظهور و بروز مهارت پیش نیاید تا به بینم مهارت صادق است و یا عدم مهارت نمیتوانیم تصدیق بعدم مهارت نمائیم. فرض میکنیم که یک اتوبسیل سواری با یک اتوبوس تصادف کرده که منجر بقتل گردیده و کاردان فنی موقع بازدید از صحنه تصادف و اعمال نظر فنی گواهی نموده که راننده سواری بعلت عدم مهارت و عدم تسلط بر فرمان نتوانسته است اندازه و مانع را رد کند و در نتیجه تعادل خود را از دست داده و به اتوبوس تصادف کرده که اگر مهارت راننده اتوبوس نمیبود سقوط اتوبوس بدره و یا دریاچه سد مجاور حتمی و قطعی و احتمالاً تلفات بیشمار میبود که وقتی آقای بازپرس وارد تحقیقات میشود میبیند راننده سواری دارای پروانه درجه دو میباشد که تازگی صادر شده و اتفاقاً راننده اتوبوس راننده ایست که پروانه او درجه ۲ بوده النهایه . ۱ سال است که مدام رانندگی مینموده بنابراین تردیدی نیست که ملاحظه تشخیص عدم مهارت نداشتن پروانه نیست بلکه عدم مهارت امری است که باید مورد تصدیق کاردان فنی قرار گیرد . کاردان فنی هم نمیتواند عدم مهارت را تصدیق کند مگر در مواردیکه موقعیت محل از لحاظ جهات مختلفه فنی ایجاب اعمال مهارت مینموده و مهارت بکار نرفته باشد پس نتیجه حاصله از این بحث اینستکه عدم مهارت یک امر اعتباری نیست که بتوان از روی قیاس و اصول نظری آنرا مورد تصدیق قرار داد بلکه موقعیت مکانی و آثار باقیمانده عمل است که میرساند فاعل فعل ماهر بوده و یا ناشی والا اگر موقعیتی برای اعمال مهارت پیش نیامده و قتلی واقع شده باشد باید اگر علل دیگری موجود است بآن علل توجه نمود و بر حسب مورد با یکی از مواد دیگر ماده ۱ و ۲ انطباق داد . البته بعضی از موارد مذکور در ماده ۲ خود بخود سبب تامه وقوع قتل هستند (در صورت وقوع) مثل رانندگی در حال مستی و یا حرکت بیش از سرعت مقرر ولی برخی دیگر مانند نداشتن پروانه و یا دستگاه موتوری را با وجود عیب و نقص کار مکانیکی بکار انداختن

نمی‌تواند علت و سبب تامه قتل شناخته شود بدون اینکه رابطه‌ای با حادثه داشته باشد. همانطوری که در بالا ذکر کردیم اگر راننده‌ای با حال مستی و سرعت بیش از حد مقرر براننده‌ای تصادف کند که احیاناً ترمز اتومبیل (راننده هشیار) خوب کار نکند که کاردان فنی گواهی کند که حادثه صرفاً و منحصرأ ناشی از سرعت بیش از حد مقرر راننده اولی بوده بدیهی است که این نقص فنی (عیب ترمز) واسطه و سبب قتل نشده تا راننده مواخذ شناخته شود ولی در همین مثال اگر اتومبیل دوم بعلت نداشتن ترمز موقع تصادف نتوانسته ترمز کند و بجلو رانده شده و بدره‌ای پرت شده و منجر بقتل گردیده بدیهی است که در اینجا راننده دوم هم مسئول و عملش منطبق با ماده ۲ می‌گردد زیرا کاردان فنی توضیح داده که اگر چه راننده با سرعت از عقب با اتومبیل او زده و آن را بجلو رانده ولی نداشتن ترمز سبب عدم کنترل راننده گردیده و اتومبیل بدره پرت شده است پس بهر حال باید بین تخلف و قتل رابطه موجود باشد و یا مثل سرعت بیش از حد مقرر و مستی باشد که بعد واسطه سبب تامه شناخته شده‌اند و خلاصه نداشتن پروانه بطور اطلاق دلیل عدم مهارت نیست و اصولاً تشخیص عدم مهارت از وظیفه داد گاه خارج است و در صلاحیت کاردان فنی است. و کاردان فنی هم وقتی می‌تواند تصدیق بعدم مهارت نماید که برای اثبات این نظر دلیلی ذکر کند و اگر صرف نداشتن پروانه را دلیل عدم مهارت ذکر کرده باشد برای داد گاه قابل متابعت نخواهد بود.